

اشعار (دو بیتن) آقای ده بزرگی

زد خیمه چو آفتاب در پای غدیر
با ساقی سرفراز صهبای غدیر

پیوسته ز عرش کبریا گل میریخت
در پای علی مرتضا گل میریخت

هنگام شکفتن گل قرآن بود
از خلق خدا گرفتن پیمان بود

وحی آمد خویش را فراموش کنید
صهبای تولای علی نوش کنید

رد آینه نو پاک سرمد گل کرد
بر لعل خدا خوان محمد گل کرد

سالار بهشت ساقی صهبا شد
گلواژه عشق ازلی معنا شد

بی امر خدا سخن نگویم ای خلق
او از من و من نیز ز اویم ای خلق

یاسین حکیم و انبیا هر دو یکی است
قرآن و علی مرتضا هر دو یکی است

در ملک وجود روح دینی تو علی
هادی طریق متقینی تو علی

آئینه دل سایه نشینت بر خیز
ای دست خدا در آستینت بر خیز

اسرار نهان دوست پیدا گردد
تادل ز تماشای تو شیدا گردد

پیغام رسان ماه سیمای غدیر
فرمود که پیمان سرخم باید بست

آنروز فرشته در سما گل میریخت
با خطبه خورشیدی خود ختم رسل

آغاز بهار خرم ایمان بود
پیوسته نبی سه روز در خم کارش

ای مردم برگشته ز حج، گوش کنید
این است پیام حق که در خم غدیر

وحی آمد در سینه احمد گل کرد
ذکر صلوات بر علی و آلش

بزمی به صفای صبح دل برپا شد
با آیه اکملت لکم خواندن عقل

من جز راه راستی نپویم ای خلق
من با علی از یک شجره طیبه ایم

گلسوره نور و هل اتی هر دو یکی است
از قول احد احمد مرسل فرمود

سر سلسله اهل یقینی تو علی
این گفته لاریب کلام الله است

ای سرزده عشق از جبینت بر خیز
تا بیعت از این خلق بگیرم امروز

برخیز دگر که حق هویدا گردد
ای عشق نگشته آفتابی بر خیز

برخیزد که دل ز دیدنت جان گیرد
ای روح و داد و داد سبب اندیشه

ای خلق خدا صنع خدا را نگیرد
بعد از من اگر طالب وصلم گشتید

تنه‌ها نه علی برادرم می باشد
در امر خلافت و ولایت بر خلق

فخر حرم کعبه ز میلاد علی است
پیوسته او الامر زمان تا مهدی

هستی به وجود آمده از هست علی
با گردش پیمان‌ه چشمش در خم

سرچشمه نور است دل آگاهش
کوتاه سخن علی که ذاتش ازلی است

حیدر که ظهور رحمت رحمن است
سلطان ولایت است و از حق به سرش

خورشید منیر منجلی یعنی من
یک روح الهی و دو پیکر یعنی

قرآن سخنگوی عظیم است علی
چون من که پیام آور حقم تا حشر

مردیست علی که روح امید بود
من مهرم و ماهم علی و در دل شب

سوگند به ذات حق که تا حق باشد
ای دل در طلب بیعت با حق بی شک

حیدر که خدا ستوده در قرآنش
باشد به کفش زمام خلق و پس از او

جان مست سود طریق جانان گیرد
برخیز که عدل و داد سامان گیرد

آئینه مصطفی ما را نگیرد
رخسار علی مرتضی ما را نگیرد

با جذبه حسن دلبرم می باشد
منسوب به امر داووم می باشم

دین کامل از اندیشه آزاد علی است
از نسل من و اولاد علی است

سر رشته عالم است در دست علی
دل شد و جبرئیل سر مست علی

حق جلو گر از رخ چون ماهش
قرآن کریم خوانده جنب الهش

قطب شرف و حقیقت انسان است
تاج گل هل اتی علی الانسان است

پیغمبر ذات ازلی یعنی من
روح علی ام من و علی یعنی من

تحلیل گر حکم حکیم است علی
مصداق صراط مستقیم است علی

بر دوش دلش پرچم توحید بود
مه نایب و جانشین خورشید بود

گل ذکر لیم همیشه یا حق باشد
بیعت به علی بیعت با حق باشد

از جانب حق ولی بود عنوانش
این رشته بود بدست فرزندان

ای خُلقِ علی، سوره الرحمن است
با علم بیانی که خدا داده به او

این حکم خدای ازلی می باشد
گلوآژه اکملت لکم در قرآن

حیدر که تفکر بهاری دارد
بر خلق خدا به امر حق از قرآن

از نور سرشته حق رگ و ریشه او
تنهانه همین است که قائم بالقسط است

قرآن سخنی که چهره اش چون ماه است
فرمود هرآنکس که من مولایش

فرمود رسول گل جبین ای مردم
سوگند بحق که غیر او در عالم

والله، که منعم نعیم است علی
میزان کمال هست و اعمال نکو

در سینه دلش کتاب مسطور خداست
روشنتر از این سخن چه گویم که علی

والشمس، به چهره نکویش سوگند
عقل است نبی و دل پاکش گوید

خورشید منیر بی نظیر است علی
چون حضرت عشق بر سریر دل ما

آنها که حکم عقل آدم هستند
گویند به قول مصطفی تا صف محشر

محمود صفاتی که رسول الله است
پیوست تقاضای دل حق طلبش

مصداق دقیق علم القران است
پیوسته به کار خلق الانسان است

بر خلق خدا علی ولی می باشد
تا بد ولایت علی می باشد

بدر دوش ردای شـهریاری دارد
در کف سـند زمامداری دارد

مهر است و بود شب شکنی پیشه او
میزان عدالت است اندیشه او

از سر نهان حق دلش آگاه است
مولای دلش علی ولی الله است

بی شبه علی است روح دین ای مردم
کس نیست امیرالمؤمنین ای مردم

طر گل رحمان و رحیم است علی
یعنی که صراط مستقیم است علی

پیشانی اش آئینه منشور خداست
تفسیر دقیق سوره نور خداست

والیل، به موی مشکبویش سوگند
عشق است علی، به خلق و خویش سوگند

در بیشه سرخ عشق شیر است علی
تا هست خدا خدا امیر است علی

رهپوی ره رسول اکرم هستند
قرآن و امام هر دو با هم هستند

در آبی آسمان عزت ماه است
از حضرت دوست وال من وال است

حق را صفت روشن ذات است علی
گلوآزه نام اقدس جانبخشش

ای دل شده گان، حکم را درک کنید
روح نبأ عظیم حق است علی

حیرت زده ام که حق صفاتش خوانم
چون عاجزم از درک مقامش ناچار

در خم غدیر آیه ای نازل شد
از برکت نعمت ولایت آنروز

ای عشق دل آشنا، امام دل من
بی واهمه گویم که علی عشق خداست

ای گنج علوم کبریا سینه تو
بعد از صلوات بر تو میگویم فاش

عشق است گل روی دل آرای علی
سوگند بحق زادگاهش کعبه

فعلش فرح افزای حیات است علی
تکبیر و سلام و صلوات است علی

سر سلسله و زعمیم را درک کنید
اینک نبأ عظیم را درک کنید

یا شعله پرتو ذاتش خوانم
خورشید جهانگیر حیاتش خوانم

آن آیه چراغدار راه دل شد
دین یافت کمال و دین حق کامل شد

تا هست بدست تو زمام دل من
یعنی که خدائی است مرام دل من

روشن از فروغ وحی آئینه ی تو
لغت ز خدا به خصم دیرینه تو

دل نیست دلی که نیست شیدای علی
مقبولی حج است تولای علی



www.khatabeghadir.com